

بامقصد

راهکارهای پیشنهادی کمیسیون حمایت قضائی و مبارزه با فساد در راستای تحقق شعار سال «جهش تولید»



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
کمیسیون حمایت قضائی و مبارزه با فساد

مقدمه

همه ساله رهبر انقلاب، متناسب با شرایط کلی حاکم بر کشور شعار محوری سال را انتخاب می کند تا این مهم سرلوحه برنامه ریزی های مسئولان و اقشار مردم قرار بگیرد و منطبق با آن مسیر پیشروی کشور طراحی گردد. با توجه به تشدید مشکلات اقتصادی در سال های گذشته، رهبر انقلاب همواره نام چند سال اخیر را با محوریت موضوعات اقتصادی انتخاب کرده اند. از همین روی پس از انتخاب نام رونق تولید برای سال ۹۸، سال ۹۹ را نیز به عنوان سال جهش تولید معرفی شد. جهش تولید راهبردی است در امتداد راهبرد سال قبل یعنی رونق تولید برای برون رفت از تنگناها و چالش های موجود و صدا البته موفقیت این راهبرد چیزی نیست که یک شبه اتفاق بیافتد و نیازمند نگاهی بلندمدت و همتی درخور توجه است، تا بتوان با اتخاذ تدابیر و شیوه هایی متناسب و مقتضی به نتایجی متفاوت تر نائل شد.

رونق تولید که با مفهوم حمایت از این بخش برای به گردش درآمدن چرخ هایش تعریف شد، اما جهش تولید که شعار امسال است بامعنایی تقریباً متفاوت به حداکثر شدن تولید با ایجاد نوآوری و وسعت بخشیدن به دامنه این بخش اشاره دارد به طوری که در نهایت مردم بتوانند افزایش تولید را در زندگی خودشان لمس کنند و زندگی و معاش آن ها بهتر شود. حال آنچه برای چنین رویکردی با اهمیت است توجه به پیش شرط هایی است که موجب جهش تولید خواهد شد که لازم است زمینه اجرای آن از سوی دولت مردان فراهم شود.

بر این اساس، گفته می شود رفع واقعی موانع تولید، بهبود محیط کسب و کار، امنیت سرمایه گذاری، اجرا و نظارت دقیق بر قوانین حوزه تولید و تجارت، ایجاد فضای رقابتی و غیر رانتی، اصلاح سیاست های بانکی، ثبات در قوانین، حمایت از تولید صادرات محور و گسترش بازارهای هدف از جمله پیش شرط های تحقق این شعار است که اگر اجرایی شود قطعاً می تواند موتور محرکه اقتصاد مقاومتی باشد. علاوه بر این حلقه مهم دیگری که در تحقق جهش تولید غیر قابل اغماض است، مبارزه با فساد معرفی شده است.

همان طور که رهبری نیز حل مشکل تولید و اقتصاد کشور را علاوه بر ایجاد فضای مناسب برای تولید و لوازم آن، در حل معضل فساد می دانند و به آن تأکید می کنند. ایشان در سخنرانی نوروزی سال ۹۵ مبارزه با فساد را قطعه مهم پازل رونق اقتصادی و رفع مشکلات کشور دانستند و گفتند:

«حرف زدن زیاد در مورد فساد فایده ندارد. با دزد دزد گفتن دزد از دزدی دست بر نمی دارد. مسئولان روزنامه نیستند که در مورد فساد حرف بزنند. من و شما باید وارد بشویم و مقابله فساد به معنای واقعی کلمه بایستیم.»

همه مسئولیت دارند، اما برخی مسئولیت بیشتری دارند. کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و آمریکا نیست در داخل کشور است. در طول این سال ها مدیران ایرانی کارهای بزرگ تری انجام داده اند و مسئله تولید را نیز می توانند حل کنند.»

علاوه بر این در مهم ترین دیدار رهبری با فعالان اقتصادی و مجموعه های تولیدی کشور که در ۱۷ اردیبهشت به مناسبت هفته ی کار و کارگر برگزار شد، هفت راهکار اصلی از سوی مقام معظم رهبری در مسیر تحقق شعار سال مورد معرفی قرار گرفت. این راهکارها عبارت بود از:

«در راستای تحقق جهش تولید دولت هم وظایف مهمی دارد. دولت که می گوییم، منظور سه قوه است، نه فقط قوه ی مجریه؛ یعنی هم قوه ی مجریه، هم قوه ی مقننه، و هم قوه ی قضائیه، به عنوان دولت جمهوری اسلامی، این ها وظایفی دارند که وظایف مهمی است؛ از جمله ی این وظایف — که اگر این وظایف را دولت عمل نکند و مسئولین کشور عمل نکنند، جهش تولید صورت نخواهد گرفت — این است که دولت بایستی از تولید و تولید کننده حمایت بکند.»

۱) رفع موانع تولید با حذف مقررات دست‌وپاگیر

در یک جمله می‌توان این‌طور خلاصه کرد: حمایت دولت. خب، این حمایت به چه معنا است؟ بعضی تا می‌گوییم «حمایت»، خیال می‌کنند باید تزریق نقدینگی کرد. خب، بله، یکجاهایی ممکن است تزریق منابع مالی هم لازم باشد [اما] یکجاهایی هم مضر است. منظور از حمایت، تزریق منابع مالی صرفاً نیست بلکه میدان را باز کردن است. اگر نیروی کار مردمی را، سرمایه‌گذار را، مهندس را، صاحب‌فکر را، کارگر را به‌عنوان یک دونده‌ی پُرشتابی فرض کنیم، شما لازم نیست به او یاد بدهید چه کار کند، او خودش شوق و میل حرکت دارد. شما میدان را باز کنید، موانع را بردارید، زمین را صاف کنید، اجازه بدهید او حرکت خودش را انجام بدهد. اگر چنانچه این کار از سوی دولت انجام بگیرد — که بسیار کار مهمی است و حالا من به بعضی از نمونه‌هایش هم اشاره خواهم کرد — آن‌وقت این حرکت به‌صورت صحیحی انجام خواهد گرفت. بنابراین حمایت که می‌گوییم، یعنی برداشتن موانع. برداشتن موانع مثل چه؟ مثل برداشتن مقررات دست‌وپاگیر. بعضی از مقررات هست که هیچ فایده‌ای ندارد و ضرر هم دارد؛ وجود این مقررات مانع از این است که دستگاه تولیدکننده و دستگاه اقتصادی فعال و مفید بتواند کار خودش را انجام بدهد.

۲) مبارزه با قاچاق

یکی از حمایت‌ها که بسیار مهم است، مبارزه با قاچاق است؛ یعنی واقعاً قاچاق یک آفتی است برای کشور که باید به‌معنای حقیقی کلمه با این آفت مبارزه کرد.

۳) منع جدّی واردات بی‌رویه

یکی از کارهای لازم، منع جدّی واردات بی‌رویه است. این‌همه بنده تأکید کردم بر روی مسئله‌ی واردات؛ باز هم انسان می‌بیند به‌بهانه‌های مختلف یکجاهایی واردات [صورت می‌گیرد]. به ما نامه می‌نویسند و شکایت می‌کنند؛ یک دستگاهی می‌گوید که "ما مثلاً این وسیله را با زحمت زیادی درست کردیم به‌نصف قیمت، به یک‌سوم قیمت، [اما] فلان دستگاه دولتی که به این وسیله احتیاج دارد، می‌رود با تولیدکننده‌ی خارجی قرارداد می‌بندد، وارد می‌کند؛" خب، این کار نباید بشود. اگر چنانچه این کار در یک موارد مهمی انجام بگیرد، باید اسمش را گذاشت جنایت، خیانت. البته همیشه این جور نیست، و از روی غفلت گاهی انجام می‌گیرد، اما گاهی هم واقعاً جنایت و خیانت است.

۴) مبارزه با فساد اداری و مالی

یکی از حمایت‌ها مبارزه‌ی جدّی با فساد مالی است. ببینید این دستگاه‌هایی که امروز گزارش دادند — و صدها دستگاه از قبیل این‌ها — در کشور دارند با سلامت، کار اقتصادی انجام می‌دهند. اگر شما بخواهید این کسانی که دارند کار سالم اقتصادی انجام می‌دهند، بتوانند به مقصود برسند، بایستی با آن کسی که از راه فساد، از راه رشوه، از راه اختلاس کار را پیش می‌برد، مبارزه‌ی جدّی بکنید. با فساد باید مبارزه کرد؛ هم فساد اداری، یعنی فساد کسی که در دستگاه دولتی و مرتبط با مسائل اقتصادی است و هم فساد آن کسی که در کار تولید و در کار فعالیت اقتصادی است.

یکی از مسائل، مقابله‌ی جدّی با کارشکنی‌های اداری است. بنده سراغ دارم؛ در طول این سالهای متمادی، مکرراً این را مشاهده کرده‌ایم که مسئول دستگاه، مدیر عالی دستگاه، با کمال علاقه و اخلاص دنبال یک چیزی است، یک کاری را می‌خواهد انجام بدهد اما آن کار انجام نمی‌گیرد؛ دستور هم داده می‌شود، جلسه هم برگزار می‌کنند، اقدام هم می‌کنند اما خروجی صفر است؛ علت این است که آن وسط کارشکنی صورت می‌گیرد، همین که امیرالمؤمنین (ع) فرمود «ثُمَّ النَّهَايَةُ

التهایه»، معنایش این است؛ یعنی صرف اینکه شما مدیر دستگاه هستید و علاقه‌مندید کافی نیست؛ باید کار را دنبال کنید تا از این کارشکنی‌های میانه‌ی راه حتماً جلوگیری بشود.

۵) رعایت حقوق مالکیت

یک مسئله‌ی مهم، رعایت حقوق مالکیت است که این از وظایف قوه‌ی قضائیه است.

۶) پرهیز از سوداگری‌های زیان‌بخش

یک مسئله‌ی مهم پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش است که این، قانون لازم دارد و مربوط به مجلس شورای اسلامی است؛ بایستی در قوانینی که وضع می‌کنند، مراقبت بکنند که به این گونه سوداگری‌ها کمک نشود، بلکه در نقطه‌ی مقابل به فعالیتهای صحیح کمک بشود.

۷) معافیت یا وضع مالیات

در یک مواردی معافیت‌های مالیاتی لازم است، همچنان که در نقطه‌ی مقابل، در یک مواردی وضع مالیات لازم است؛ مثل ثروت‌های بادآورده. حالا من البته نمی‌خواهم اینجا بشمرم؛ موارد زیادی وجود دارد و مشاغلی وجود دارد که این‌ها ثروت‌های بادآورده‌ای را به دست می‌آورند، مالیات هم نمی‌دهند؛ باید بر این‌ها مالیات معین کرد. متقابلاً در مواردی باید مالیات را حذف کرد یا کم کرد. در خیلی از موارد تولیدی باید از این قبیل به این‌ها کمک کرد، بنابراین حمایت واقعی از تولید، که گفتیم دولت باید حمایت بکند، این چیزها و امثال این‌ها است.

و خب، مشاهده کردید در همین قضیه‌ی کرونا خوشبختانه دولت حمایت کرد از مردم، یعنی میدان را باز کردند. اگر دولت می‌گفت که «هر کس می‌خواهد مثلاً از این ماسک تولید کند، باید بیاید از ما اجازه بگیرد»، همین یک کار کوچک را اگر انجام می‌دادند، کافی بود برای اینکه ماسک در کشور تولید نشود؛ [اما] میدان را باز کردند، گفتند هر کس می‌تواند ماسک تولید کند، تولید کند. [لذا] دستگاه‌ها تولید کردند، کارخانه‌ها تولید کردند، ستاد اجرائی تولید کرد، بنیاد مستضعفان تولید کرد، در خانه‌ها مردم تولید کردند، در مساجد تولید کردند؛ جوری شده که ما الآن ماسک زیادتر از اندازه‌ی نیاز در کشور داریم و می‌توانیم به دیگران بدهیم؛ این به‌خاطر آن بود که دولت مانع را برطرف کرد. اگر از این قبیل کارها در بخشهای مختلف انجام بگیرد، بلاشک کمک خواهد کرد."

نکات تفصیلی مذکور نشان می‌دهد که تعیین و تبیین راهکارهای اصلی تحقق جهش تولید به‌عنوان راهبرد محوری سال جاری در حوزه‌های مختلف از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. علاوه بر این باید توجه داشت تحقق این شعار اقتصادی در گرو همکاری و همراهی بازیگران اصلی میدان اقتصاد کشور یعنی بخش خصوصی و فعالان این حوزه است. چرا که با توجه به بحران‌هایی که امسال با آن آغاز شد؛ همچون رشد منفی اقتصادی، تورم، شدت تحریم‌ها، در لیست سیاه FATF قرار گرفتن، نوسانات نرخ ارز، گسترش ویروس کرونا و تعطیلی کسب‌وکارها، تحقق یک‌سویه جهش تولید توسط دولت و قوای حاکمیتی، کمی دور از انتظار است. هرچند عملیاتی شدن شعار رونق تولید سال گذشته هم با موانعی روبرو بود و امروز از تحقق نیافتن آن سخن گفته می‌شود. بر این اساس به نظر می‌رسد در چنین شرایطی همراهی بخش خصوصی و دولت در تحقق شعار سال، بسیار مؤثر باشد. در همین راستا کمیسیون حمایت قضائی و مبارزه با فساد تلاش کرده تا تدوین پرسشنامه تخصصی و مشارکت‌جویی از فعالان اقتصادی، اعضای اتاق بازرگانی و متخصصی و نخبگان این حوزه با در نظر گرفتن حوزه

مأموریتی خود یعنی حمایت قضائی و مبارزه با فساد، راهکارهای بنیادین و اساسی در راستای تحقق جهش تولید را گردآوری و ارائه نماید.

بنابراین سند حاضر، در ۳ بخش اصلی (راهکارهای بنیادین، راهکارهای تخصصی، نقش اتاق بازرگانی) نظرات ارزشمند بیش از ۲۰ نفر از فعالین اقتصادی کشور و نخبگان حوزه اقتصاد و حکمرانی در باب راهکارهای تحقق شعار سال را گردآوری و پس از طرح و بررسی در هفدهمین جلسه کمیسیون مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ تدوین و جمع‌بندی نموده است. پیشنهادهایی که هر یک برخاسته از تجربه، دانش و تخصص بوده و به‌عنوان برنامه پیشنهادی کمیسیون حمایت قضائی و مبارزه با فساد اتاق بازرگانی ارائه خواهد شد.

۱- نسبت جهش تولید با حمایت قضائی و مبارزه با فساد

در تبیین مختصر رابطه و نسبت جهش تولید و حوزه مأموریتی، ابتدا باید به تعریف مفهوم جهش تولید به‌عنوان شعار محوری عملکرد حاکمیت در سال جاری توجه کرد. طبق تعریف، هر شاخص اقتصادی که به‌یک‌باره با یک افزایش محسوس و غیرقابل‌پیش‌بینی مواجه می‌شود، جهش دانسته می‌شود؛ یعنی جهش به معنای افزایش سطح بالا و دفعی در مقابل افزایش کم و تدریجی است. از طرفی تولید تنها مؤلفه و شاخصی است که مستقیماً بر روی شاخص‌ها و پارامترهایی، چون تورم، اشتغال، رشد اقتصادی، صادرات، ارزش پول ملی و... تأثیر مثبت دارد؛ چنانچه می‌توان تولید را در بیان عامیانه «مادر تمام شاخص‌های اقتصادی» دانست. بنابراین جهش تولید را می‌توان افزایش سطح بالا و دفعی شاخص‌های مرتبط با موضوع تولید دانست که می‌تواند تأثیر مستقیم بر رشد و توسعه اقتصادی کشور داشته باشد.

همان‌طور که از ظاهر تعریف مشخص است، تحقق این اتفاق منوط به تمهید و تدبیر بستری است که ظرفیت این افزایش را داشته باشد. به‌بیان‌دیگر علاوه بر مستعد بودن بستر ارتقاء تولید در کشور، موانع موجود در این مسیر نیاز باید موردتوجه قرار گیرد و برای آن چاره‌اندیشی شود. تا جایی که اندیشمندان اقتصادی از میان برداشتن موانع را مقدم بر مؤلفه‌های دیگر رشد می‌دانند. زیرا حتی اگر بیشترین تسهیلات و امکانات برای رونق و رشد تولید در کشور فراهم شود، وجود موانع داخلی و خارجی می‌تواند تمامی امکانات را عبث و بی‌نتیجه جلوه دهد.

در این میان با عارضه‌یابی و مذاقه در موانع رشد اقتصادی کشور در دهه‌های گذشته به‌خصوص در سالهای اخیر، می‌توان مبارزه با فساد را اصلی‌ترین مانع داخلی تحقق رشد اقتصادی و به‌طور خاص جهش تولید دانست. چرا که فساد مالی و اداری چرخ‌دنده‌های اقتصادی هر کشوری را خرد می‌کند و رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فساد گاه در قالب «رشوه» نمود می‌یابد، گاه به گونه «اختلاس» خود را نشان می‌دهد و گاه به شکل «تقلب» و یا اشکال دیگر بروز می‌کند. بروز فساد اثرگذار در حوزه اقتصادی در عوامل مختلفی قابل ریشه‌یابی است که ازجمله آن می‌توان به انحصار قدرت و برخورداری از اطلاعات رانتی، عدم شفافیت اقتصادی به‌طور خاص در نظام بودجه‌بندی، ضعف حاکمیت شایسته‌سالاری، فقدان نظام تأمین اجتماعی، فقدان نظام کارآمد نظارت و... اشاره نمود.

فساد بیشتر در جایی لانه می‌کند که ضعف‌های نهادی دیگر مانند بی‌ثباتی سیاسی و کاغذبازی اداری وجود داشته باشد و نظام‌های قانون‌گذاری و قضایی نیز ضعیف باشد. باوجود این، با قطع و یقین نمی‌توان گفت که آیا فساد دلیل منحصره‌فرد لنگی رشد اقتصادی است یا اینکه ضعف‌های نهادی مرتبط با آن نیز نقش دارد. حقیقت این است که تمام این نقص‌ها و

نقطه‌های ضعف با یکدیگر ارتباط درونی دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند (به‌عنوان مثال، کاغذبازی راه فساد را می‌گشاید و مأموران یا مقام‌های اداری فاسد نیز بر کاغذبازی و تشریفات اداری می‌افزایند تا رشوه‌های بیشتری بگیرند). بنابراین، اگر کشوری بتواند ریشه فساد را بشکاند، درمان دردهای نهادی دیگرش آسان‌تر خواهد شد، چنانکه اصلاح نسبی ضعف‌های نهادی دیگر مهار فساد را آسان‌تر می‌کند.

در همین راستا بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که هر کشوری بتواند شاخص فساد را در قلمرو خود از ۶ به ۸ برساند (صفر به معنای بیشترین فساد و ۱۰ به معنای کمترین فساد است) افزایش سرمایه‌گذاری به میزان ۴ درصد و افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را به میزان ۵ درصد تجربه خواهد کرد. این به آن معنا است که دستاوردهای بسیار بزرگ مبارزه با فساد اختصاص هرگونه هزینه‌ای را به این امر توجیه می‌کند.

بنابراین یکی از اصلی‌ترین قطعات پازل جهش تولید را می‌توان مبارزه با فساد دانست. کما اینکه رهبر انقلاب نیز در آخرین بیانات خود درباره جهش تولید، مبارزه با فساد اداری و مالی را معرفی نمودند. همچنین در بیانات ایشان ایجاد یک بستر حمایتی از فعالان اقتصادی کشور از دیگر مؤلفه‌های اصلی جهش تولید معرفی شده است. حمایتی که اعم از حمایت قضائی، قانونی و... دانسته شده و عوامل گوناگونی از جمله حذف مقررات دست و پاگیر، منع واردات بی‌رویه، رفع انحصار و رانت اطلاعاتی و حراست از حقوق مالکیت بخش خصوصی به‌عنوان راهکارهای عملیاتی آن ارائه شده است.

۲- راهکارهای بنیادین و اساسی در راستای تحقق جهش تولید

۱. نظارت بر تحقق تکالیف اقتصادی کشور

یکی از چالش‌های موجود در نظام حکمرانی کشور، ضعف در اجرای قانون است. معضلی که ریشه اصلی بسیاری از مشکلات در حوزه‌های مختلف حکمرانی و به‌طور خاص حوزه اقتصادی به شمار می‌رود. این چالش بزرگ ممکن است ناشی از علل گوناگونی باشد که از جمله در مرحله‌ی پیشگیری می‌توان به تورم و درهم‌ریختگی برخی حوزه‌ها در نظام قوانین کشور، عدم اطلاع از وجود قوانین، عدم نظارت و پیگیری صحیح و فقدان بستر مطالبه‌گری درست اشاره کرد.

در مرحله‌ی وضع قوانین و مقررات، ممکن است اشکالاتی وجود داشته باشد یا مثلاً گاهی قوانینی وضع شود که نظر همه‌ی کارشناسان را به خود جلب نکند و دارای مخالفینی باشد اما به‌هرحال اجرای آن قانون و تلاش در راستای اصلاح آن از طریق سازوکار مشخص، بهتر از عدم اجرا یا به‌طور کلی ترک نمودن آن است.

روزانه قوانین متعددی توسط نهادهای قانون‌گذار یا دارای صلاحیت‌های مشابه به نظام قانونی کشور افزوده می‌شود که این کار علاوه بر آنکه هزینه‌های بسیاری به دولت تحمیل می‌کند، منجر به تورم قوانین می‌شود. این امر با اصلاح و الحاق مواد جدید به قوانین پیشین، بی‌نظمی و پیچیدگی نظام قانونی را دوچندان می‌کند. بسیاری از قوانین به همین دلیل و همچنین عدم بازتاب صحیح در نزد افکار عمومی، در پستوی کتب قوانین نهان شده و در نتیجه امکان تحقق نمی‌یابند. بنابراین نظارت بر تحقق تکالیف اقتصادی موجود در قوانین و مقررات پراکنده کشور را می‌توان از مهم‌ترین راهکارها مورد پیشنهاد برای تحقق اهداف حاکمیت در زمینه رشد اقتصادی و جهش تولید دانست.

۲. حل معضل مجوزها

از زمان تصویب قانون برنامه پنجم توسعه (دی ماه ۱۳۸۹)، موضوع ساماندهی مجوزهای کسبوکار و به‌طور خاص لغو مجوزهای دست و پاگیر و تسهیل و تسریع صدور مجوزهای ضروری برای فعالان اقتصادی، یکی از محورهای اصلی موردتوجه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران محسوب می‌شود.

اما باوجود تصویب قوانین و مقررات متعدد توسط نهادهای مختلف و تلاش‌های صورت گرفته، همچنان معضل مجوزهای دست و پاگیر و مخل تولید یکی از معضلات جدی محیط کسبوکار شمرده می‌شود.

اخیراً در یکی از هفت محور اعلام شده توسط وزارت صمت برای رونق تولید با عنوان بهبود فضای کسبوکار مرتبط با بخش صنعت، معدن و تجارت برنامه‌هایی در نظر گرفته شده که شامل: اصلاح فرآیندها و دستورالعمل‌ها و حذف یا کاهش زمان صدور مجوزها، پیگیری مقررات زدایی و تنقیح قوانین مانع تولید، ایجاد توسعه سامانه‌های جامع اطلاعاتی است.

این در حالی است که همچنان فرایند صدور مجوزها جزء چالش‌های اصلی اقتصادی کشور بوده و باید برای حل آن طراحی و برنامه‌ریزی جدی صورت گیرد. به بیان دیگر تسریع و تسهیل مجوزهای شروع کسبوکار باید در اولویت اقدامات دولت و مجلس قرار گیرد، زیرا این موضوع باعث کسب درآمد از پتانسیل و ظرفیت‌های مغفول مانده می‌شود و بسیاری از ظرفیت‌هایی اکنون حذف شده که باید از این طریق فعال شوند. حرکت در مسیر مجوززدایی با تأکید بر بسترهای بیمه و دیگر راهکارهای مجرب در کشورهای پیشرفته دنیا می‌تواند در این موضوع مورد استفاده قرار گیرد.

۳. طراحی برخی نهادهای مالی تکمیلی

یکی از خلاءهای نهادی کشور وجود شرکت‌های قوی، حرفه‌ای و مستقل رتبه سنجی مشتریان- بنگاه‌های اقتصادی است. این شرکت‌ها باید وظیفه مهم ارزیابی دقیق نرخ ریسک (مخاطرات) اقتصادی و مالی هر بنگاه را بر پایه پیشینه عملکردی آن‌ها به بازار عرضه کنند و همراه با آن و متناسب با نرخ ریسک بنگاه‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای داخلی، پوشش بیمه‌ای خویش را برای بنگاه‌های اقتصادی به تأمین‌کنندگان منابع مالی ارائه دهند. در حال حاضر هر دو این وظایف بر عهده بانک‌های تجاری است که موجب شده است فرایند تأمین مالی را سخت، پیچیده و پرهزینه کند.

۴. کاهش مداخلات حاکمیتی

بیماری مزمن دخالت نهادهای دولتی و عمومی در اقتصاد ایران، دهه‌هاست که مانع رشد و توسعه بخش خصوصی شده و این دخالت در مواقع بحران و تنگنای اقتصادی، بیشتر هم شده که نتیجه آن از دور خارج شدن بنگاه‌ها بوده است. نهادهای مختلف حاکمیتی، دولتی و عمومی طیف متنوعی از مداخلات در فضای کسبوکار را به نمایش گذاشته‌اند؛ از مجوزهای غیرضروری و امضاهای طلایی گرفته تا صدور آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های محدودکننده و درنهایت اصلی‌ترین مداخله هم نشستن در جایگاه بخش خصوصی و تصدی‌گری در فعالیتهای اقتصادی است. تبدیل شدن عارضه مداخله به یک بیماری مزمن نشان از تداوم و پایداری و البته وخیم‌تر شدن آن دارد.

همین موضوع بر ضرورت تغییر نگرش نسبت به راهبری اقتصاد کشور و پذیرش بخش خصوصی به عنوان بازوی اصلی توسعه اقتصادی تأکید دارد. نگاهی که در آن همه شرکت‌های تولیدی و خدمات فنی و مهندسی زیرمجموعه حاکمیت و دولت هستند، با محدودیت‌ها و قواعد سخت‌گیرانه‌ای از حیث رقابت با بخش خصوصی مواجه باشند. چرا که تا وقتی نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی در رقابت با بخش خصوصی قرار گیرند، به علت قدرت و نفوذ این نهادها بخش خصوصی به انزوا کشیده شده و در نهایت اقتصاد کشور نیز از قدرت و ظرفیت بخش خصوصی محروم مانده و به سمت جهش تولید حرکت نخواهد کرد.

از راهکارهای معرفی شده در این راستا عرضه سهام کنترلی شرکت‌های تحت پوشش نهادهای حاکمیتی و شرکت‌های دولتی در بورس و خروج تدریجی نهادهای نظامی از فعالیتهای اقتصادی است.

۵. ایجاد فضای رقابتی و رفع انحصار

قدرت انحصاری در ذات خود فساد دارد و این در حالی است که رشد و توسعه اقتصادی جز با حضور همگان در عرصه اقتصاد امکان‌پذیر نخواهد شد. از طرفی رقابت و رقابت‌پذیری از محوری‌ترین شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار است، تا جایی که در اسناد بالادستی به وضوح بدان اشاره شده به نحوی که در بند ۲ سیاست‌های کلی صنعت، افزایش توان رقابت‌پذیری صنعت ملی براساس گسترش مالکیت و مدیریت بخش غیردولتی، رعایت اندازه اقتصادی بنگاه‌ها و لغو امتیازات خاص و انحصارات غیرضرور مورد تأکید قرار گرفته است. افزایش قدرت رقابت، رعایت اصل رقابت‌پذیری، عرضه رقابتی و جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت تا مصرف از جمله نکاتی است که در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در تولید ملی مورد توجه بوده است.

انحصار در هر بازاری ضمن ایجاد رانت و افزایش تبانی، موجب رشد نامتوازن، کاهش بهره‌وری و افت کارایی اقتصادی می‌شود؛ در چنین اقتصادی، آسیب‌پذیری، شکنندگی، تضعیف و کاهش بازدهی صنایع و بازارهای داخلی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در مقابل در بازارهایی که تحت شرایط رقابتی توسعه یافته‌اند، تولیدکنندگان به منظور حفظ سهم بازاری خود، با ارتقای بهره‌وری کاهش هزینه و بهبود فناوری، در نقطه سربه‌سر تولید (برابری قیمت با هزینه متوسط تولید) و حداکثر کارایی اقتصادی خود فعالیت می‌کنند. لذا حداکثر رضایت مصرف‌کننده و سود مطلوب برای تولیدکننده تأمین می‌شود.

در نتیجه باید گفت که جهش تولید در فضای غیررقابتی، رانتی و انحصارگرایانه به هیچ عنوان اتفاق نمی‌افتد. لازم است که یک‌بار برای همیشه با شناسایی موانع ورود سرمایه‌گذاران و فعالان توانمند بخش خصوصی به بخش‌هایی که نوعاً به صورت انحصاری در اختیار برخی از ارگان‌های خاص است، زمینه برای ایجاد رقابتی شفاف، آزاد و در مسیر منافع ملی تسهیل گردد. در این خصوص نقش نهادهای نظارتی علی‌الخصوص قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی بیش از سایرین است.

۶. حل چالش قوانین و مقررات در کشور

سال‌هاست فعالان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی از وجود قوانین مبهم، دست و پا گیر بودن و گاهی متناقض و پرتراکم بودن حجم قوانین شکایت می‌کنند. تا جایی که قوانین و مقررات دست و پاگیر همواره در اظهارنظرهای سیاست‌گذاران و فعالان بخش خصوصی از مهم‌ترین موانع در توسعه اقتصادی و گسترش تولید ملی شمرده می‌شوند.

امری که اصلاح و توجه به آن در بیانات رهبر انقلاب به عنوان یکی از اصلی ترین و بنیادی ترین مسائل جهش تولید مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر باز کردن میدان برای فعالان اقتصادی با اصلاح شاخ و برگهای زائد و پیچیده قوانین و مقررات در کشور یکی از راهکارهای اصلی تحقق جهش تولید معرفی شده است. امری که مستلزم تعاملی جدی و به دور از هرگونه سیاست زدگی بین همه بخش های اقتصادی کشور و نهادهای قانون گذار کشور است. در همین راستا سه راهکار کلی مورد پیشنهاد بخش خصوصی است؛

- ☑ التزام حاکمیت به تحقق قوانین موجود از جمله قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون رفع موانع تولید، برنامه ششم توسعه و سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در تدوین لوایح بودجه.
- ☑ بازنگری و تنقیح قوانین مرتبط با فعالیت های اقتصادی و کسب و کار و شناسایی و حذف قوانین و مقررات زائد و مخل کسب و کار
- ☑ جلب اعتماد و اطمینان خاطر فعالان اقتصادی بر عدم تغییر خلق الساعه قوانین و مقررات توسط مراجع فرا قانونی و توجه به نظرات بخش خصوصی و اعمال آن در تدوین و تصویب قوانین مربوطه

۷. کارآمدسازی نظام داده کشور

مانند هر کالا و خدمتی در اقتصاد، آمار نیز در قالب یک نظام عرضه و تقاضا قابل بررسی است. متقاضیان و مصرف کنندگان آمارها، به ویژه آمارهای اقتصادی عبارت اند از دولت ها، سازمان های غیردولتی و عمومی اعم از شهرداری ها، بنیادها و نهادهای عمومی، دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و شرکت های بخش خصوصی. در حقیقت غیر از دولت و بدنه آن، شرکت ها و بنگاه های اقتصادی نیز در جهان امروز از متقاضیان مهم آمار هستند. این موضوع در دهه های اخیر در بین شرکت های ایرانی نیز رایج شده است.

اهمیت این موضوع زمانی جلوه می کند که یک شرکت سرمایه گذاری قصد دارد منابع خود را به بخش های مختلف اقتصادی تخصیص دهد. در این صورت پرسش مهم این است که در کدام بخش اقتصادی و در هر بخش به چه میزان باید منابع برای سرمایه گذاری تخصیص داد؟ پاسخ این موضوع توسط کارشناسان و متخصصان شرکت تهیه می شود و در اختیار مدیران سرمایه گذاری قرار می گیرد، اما رسیدن به این پاسخ نیازمند به کارگیری آمار اقتصادی بخش های مختلف اقتصادی و پایش روند آن ها در گذشته و پیش بینی آن در آینده است. در سمت عرضه آمار نیز با توجه به اینکه آمار کلایی است عمومی، به طور معمول بخش خصوصی انگیزه کافی برای تولید آمار و انتشار آن برای عموم نخواهد داشت. این خاصیت آمار به آن معنا است که باید یک نهاد عمومی وظیفه تهیه و انتشار آمار را بر عهده بگیرد. از همین رو است که در اکثر قریب به اتفاق کشورها دولت ها و نهادهای عمومی مسئولیت تهیه و انتشار آمار را بر عهده می گیرند. در واقع عرضه آمار از سوی دولت ها و نهادهای عمومی صورت می گیرد. البته در دنیای امروز شاهد این نیز هستیم که بعضاً شرکت های بزرگ بخش خصوصی نیز در حوزه های خاص اقدام به تهیه و انتشار آمار می کنند، اما آمارهای فراگیر ملی مانند آمارهای جمعیتی، آمارهای اقتصادی و مانند آن عمدتاً توسط بخش عمومی و دولت ها منتشر می شود.

علاوه بر این ارائه کامل، به موقع و استاندارد داده های اقتصادی در قالب مناسب می تواند ظرفیت های بی نظیر دیگری از جمله شکل گیری کسب و کارهای مبتنی بر داده، ایجاد فضای نظارتی از تقاطع گیری داده ها و... ایجاد نماید.

این در حالی است که بخش مهمی از داده‌های اقتصادی یا مورد نیاز بخش اقتصادی در کشور به روز نبوده و یا در دسترس قرار نمی‌گیرد و این وضعیت موجب شده تا نظام آماری ناکارآمد کنونی به مانعی جدی در ارتقاء هوشمند و درست اقتصاد کشور تبدیل شود.

۸. سیاست‌گذاری اختصاصی در حوزه جهش تولید و اصلاح وضع موجود

جهش تولید نیازمند سیاست‌گذاری‌های خاص خود است. درواقع این احساس وجود دارد که با رویه فعلی در بهترین حالت بتوان شرایط موجود را حفظ کرد. ازاین‌رو برای جهش تولید به نظر می‌رسد ایجاد ستاد کشوری متشکل از نمایندگان مجلس متخصص، نمایندگان دولت، نمایندگان بخش خصوصی برای تعریف و تدوین سیاست‌گذاری‌های کلی بخش تولید و تدوین بخشنامه‌های جدید متناسب با این سیاست‌گذاری‌ها برای ایجاد نوعی وحدت رویه و اجتناب از پراکندگی و آشفتگی در بخشنامه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد. تجربه نشان داده است ارائه بخشنامه‌های پراکنده و ناپخته در سال‌های پیش نه‌تنها کمکی به تولیدکنندگان و فعالان بخش خصوصی نکرد بلکه گاهی زمینه‌های سردرگمی و نارضایتی آن‌ها را فراهم کرد.

ازجمله راهکارهای ارائه‌شده در این بخش می‌توان به مورد ذیل اشاره نمود:

- تمرکز واقعی و عملی بر حمایت از سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای (توسعه واحدهای فعال موجود) به‌جای سرمایه‌گذاری‌های ایجاد (راه‌اندازی واحدهای جدید) بخش خصوصی در سال ۱۳۹۹.
- تمرکز سیاست هدایت اعتبار و ارائه مشوق‌های دولت به کسب‌وکارهایی که دارای سه ویژگی ضریب فزاینده تولیدی بالاتر، ضریب اشتغال بالاتر و وابستگی کمتری به واردات واسطه‌ای و ارز هستند.

۹. اصلاح و کارآمدسازی حلقه‌های اصلی چرخه اقتصادی کشور (سیستم‌های مالیاتی، بیمه‌ای و گمرکی)

جهش تولید به‌عنوان یک مفهوم اقتصادی مبتنی بر اصلاح و ارتقاء چرخه اقتصادی کشور است. به این معنا که جهش تولید محقق نمی‌شود مگر با اصلاح و کارآمدسازی همه حلقه‌های اصلی چرخه اقتصادی کشور. از همین رو یکی از آفات و چالش‌های جدی موجود در عملکرد حکمرانی کشور، اقدامات جزیره‌ای و پراکنده است که موجب شده چرخ‌دنده‌های ماشین اقتصاد روی هم قرار نگرفته و درنهایت حرکت رو به رشد مورد انتظار در نظام اقتصادی کشور حاصل نشده است. در همین راستا راهکارهای ذیل مورد پیشنهاد فعالان اقتصادی کشور است؛

- ارائه تسهیلات لازم برای حمایت از صادرکنندگان از محل تخصیص عوارض صادرات بر کالا، تجهیزات ساخت داخلی و اعمال تخفیف، تعدیل و تعویق پرداختی‌های بیمه و مالیات جهت احیای بخش خصوصی
- هموار نمودن مسیر برای تولیدات داخلی و اختصاص تسهیلات به تولیدکنندگان همچون مالیات، سیاست‌های ارزی، سیاست‌های واردات، صادرات و جلوگیری از واردات کالاهای مشابه خارجی با کیفیت مشابه
- تهاوت مطالبات با بدهی‌های بنگاه‌ها به سازمان تأمین اجتماعی
- پذیرفتن ضمانت معتبر برای ترخیص کالای مورد نیاز تولیدکنندگان داخلی که به دلیل عدم وجود نقدینگی، امر تولید با مشکل مواجه شده است

- بکارگیری بیمه در حوزه‌های مختلف اقتصاد به شکل‌های گوناگون از جمله بیمه کردن کالاهای وارداتی، بیمه سرمایه‌گذاری، بیمه الکترونیکی و همچنین کاهش مشکلات بیمه تأمین اجتماعی برای فعالان اقتصادی
- ارائه تسهیلات لازم برای حمایت از صادرکنندگان از محل تخصیص عوارض صادرات بر کالا، تجهیزات ساخت داخلی و اعمال تخفیف، تعدیل و تعویق پرداختی‌های بیمه و مالیات جهت احیای بخش خصوصی

۳- راهکارهای تخصصی اثرگذار در مسیر جهش تولید در حوزه مبارزه با فساد

۱. تغییر نگرش در مدل نظارت و و بکارگیری ابزارهای کارآمد

در حال حاضر، فساد یکی از مهم‌ترین چالش‌های رشد و بقای کشور است. ریشه اصلی ناکارآمدی سازوکارهای نظارتی موجود در پیشگیری از فساد، نوع نظارت است. این در حالی است که نظارت در کشور ایران منحصر در نظارت از بالا به پایین و مدل متمرکز است که نقاط ضعف متعددی دارد. مهم‌ترین نقطه ضعف این روش، محدود بودن تعداد ناظرین است که زمینه مناسبی برای خریدن، فریفتن و تهدید و ارباب ناظرین توسط نظارت شونده‌گان (مفسدین) را فراهم می‌کند.

اگر در نظام حکمرانی کشور مانند بسیاری از کشورهای جهان، روش کارآمد نظارت همگانی به معنای حضور مردم در مبارزه با فساد، استفاده شود، این نقطه ضعف برطرف شده، فضا برای متخلفان و فاسدان ناامن می‌شود و ریسک فساد به شدت افزایش می‌یابد. درواقع، در این حالت که تعداد ناظران به تعداد مردم است، امکان اینکه فردی بخواهد با تمام مردم تبانی کند و یا بتواند مخفیانه مرتکب فساد شود، بسیار اندک و تقریباً برابر صفر است.

«نظارت همگانی» در دنیا با واژه‌ای به نام «سوت‌زنی» شناخته می‌شود. سوت‌زن یا گزارشگر فساد به فردی گفته می‌شود که تخلف یا فساد را گزارش می‌کند. در بسیاری از کشورهای جهان، حاکمیت با استفاده از سیاست‌های تشویقی و حمایتی، مردم را تشویق به گزارش فساد می‌کند. البته منظور از فساد، صرفاً مفاسدی هستند که موجب تراج منافع ملی شوند و یا حق یا حقوقی از عامه مردم در اثر تخلف مسئولی ضایع گردد. در نتیجه، استفاده از این ظرفیت جمع‌سپارانه در شناسایی مفاسد نتایج مفیدی را در تجربه‌های جهانی به همراه داشته و مورد استقبال قرار گرفته است. البته باید در نظر داشت که در جامعه‌ای اسلامی که نهی‌ازمنکر علاوه بر تکلیف اجتماعی، وظیفه‌ای شرعی نیز محسوب می‌شود؛ اهمیت توجه به این مسئله و نوسازی بسترهای تحقق آن را چند برابر می‌کند؛ اما پرواضح است که استفاده از چنین سرمایه عظیمی نیازمند زیرساخت‌های حقوقی و فنی است.

پر واضح است که مقصود از گزارشگری فساد با افشاگری فساد متفاوت است چراکه در گزارشگری فساد فارغ از هیاهو و جنجال رسانه‌ای که آورده‌ای جز جریحه‌دار شدن اعتماد عمومی ندارد؛ به دنبال شناسایی و مبارزه با موارد فساد هستیم. درواقع گزارشگری فساد به دستگاه مربوطه مصداق استفاده ساختارمند و هدفمند از ظرفیت نظارت همگانی است و اگر از ظرفیت مشارکت عموم افراد جامعه فارغ از جناح‌بندی سیاسی جهت شناسایی مفاسد استفاده و درنهایت با مفاسد برخورد شود اعتماد عمومی نسبت به کارآمدی حاکمیت افزایش می‌یابد اما در شرایطی که چنین بستری وجود ندارد طبعاً چهره‌های مبارزه با فساد راهی جز طی کردن مسیرهای رسانه‌ای و استفاده از اهرم فشار افکار عمومی ندارند.

۲. نهضت سنجش و ارزیابی ریسک فساد در کلیه نهادهای حاکمیتی

ارزیابی ریسک فساد ابتدا شامل شرح چگونگی عملکرد سازوکارهای حکمرانی از طریق نقشه برداری دقیق از کلیه فرایندهای فرعی مربوطه است. سپس هر عنصر برای شناسایی فرصت‌های فساد، تجزیه و تحلیل می‌شود. پس از آن خطرات شناسایی شده برای احتمال وقوع و تأثیر مورد انتظار، ارزیابی می‌شوند؛ به‌طوری که اقدامات تعدیلی مناسب را می‌توان شناسایی و پیاده‌سازی نمود. این مراحل با هم یک سیستم مدیریت ریسک را تشکیل می‌دهند.

بر اساس تعریف سازمان شفافیت بین الملل، ارزیابی ریسک فساد؛ ابزاری (تشخیصی) است که به دنبال شناسایی نقاط ضعف موجود در یک سیستم است که ممکن است فرصت‌هایی برای بروز فساد ایجاد کنند. این ابزار با بسیاری از ابزارهای ارزیابی فساد متفاوت است چرا که بیشتر بر پتانسیل بروز فساد تمرکز دارد تا ادراک، وجود یا میزان فساد. درواقع، ارزیابی ریسک فساد، درجاتی از ارزیابی احتمال وقوع فساد و یا تأثیری که در صورت بروز فساد دارد را شامل می‌شود.

در ارزیابی ریسک فساد، علاوه بر شناسایی موقعیت‌های واجد ریسک، امکان دسته‌بندی و رتبه‌بندی این موقعیت‌ها بر اساس میزان اهمیت و شدت پیامد، نیز وجود دارد. بی‌شک تبدیل برخی گلوگاه‌های فساد، از منظر منابع مالی، انسانی و غیره، پیامدهای نامطلوب بیشتری نسبت به سایر موقعیت‌ها دارد. به‌عنوان مثال، اگر در یک سازمان فرضی، موقعیت یک کارمند میانی و یک مدیر عالی‌رتبه، دارای ریسک فساد باشند، به دلیل اهمیت جایگاه مدیر، ریسک دومی مهم‌تر تلقی می‌شود. رتبه‌بندی ریسک‌ها، در طراحی گام‌های اجرایی مقابله با فساد، حائز اهمیت است.

به‌طور کلی، برای اجتناب از پیامدهای نامطلوب فساد و پیشگیری از آن، ضرورت دارد که هر نوع سازمانی، ضمن شناسایی موقعیت‌های واجد ریسک فساد و اولویت‌بندی آن‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌هایی در جهت مقابله با آن، طراحی کنند. برخی از این سیاست‌ها عبارت‌اند از: تعهد آشکار و عمومی نسبت به عدم مشارکت در فساد که عموماً از سطوح بالای سازمان‌ها آغاز می‌شود. سیاست‌ها و فرایندهای مرتبط، کنترل‌ها، آموزش و ارتباط، مکانیسم‌های گزارش‌دهی، نظارت و حسابرسی قاعده‌مند (منظم). این برنامه‌ها و سیاست‌ها، هم از جهت صرفه‌جویی در زمان و هم از جهت صرفه‌جویی در پول، به نفع سازمان‌ها و شرکت‌ها هستند.

۳. تحقق شفافیت اقتصادی

هر حکومتی جهت دستیابی به اقتصادی باثبات، کارآمد و پویا، باید توانایی رصد، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های حوزه اقتصادی را داشته باشد. رصد، برنامه‌ریزی و اجرا به انحاء مختلف به مقوله خطیر شفافیت فضای اقتصادی گره خورده است. به عبارت دیگر شفافیت اطلاعات اقتصادی از مقدمات و مقومات حصول هر یک از این سه موضوع می‌باشد. تأکید بر مقوله شفافیت در بند «۱۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مؤید اهمیت این موضوع است: «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...».

در کشورهای با دولت رانتیر (یعنی دولتی که از منابع مالی نسبتاً مستقل نسبت به درآمد افراد جامعه) برخوردار بوده و به‌واسطه این درآمدها، با استقلال بیشتری نسبت به خواست مردم، سیاست‌ها و خواسته‌های خود را به اجرا می‌گذارند و ضرورت پاسخگویی چندانی به جامعه احساس نمی‌کنند، معمولاً بزرگترین مصرف‌کننده، خود دولت است. در ایران نیز که منابع

بودجه دولت به درآمدهای نفتی وابستگی شدید دارد، دولت رانتیر و تبعات آن قابل مشاهده است و این رانت، میتواند با فسادهای قابل توجه در بخش دولتی همراه شود.

باید توجه داشت که نمودهای فساد بخش دولتی را، علاوه بر بخش دولتی، می‌توان در بخشهای (به ظاهر) خصوصی نیز یافت. یعنی بخش‌هایی که از رانتهای دولتی (اعم از رانت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اطلاعاتی) منتفع می‌شوند، درآمدهای ناشی از آن را به اشکال گوناگون در بخش‌های غیردولتی بروز می‌دهند. در این بین، شفافیت در بودجه‌ریزی سالیانه دولت مهم‌ترین گلوگاه مبارزه با بخش اعظم فساد و رانت اقتصادی در بخش دولتی و دولتمردان است. بنابراین طراحی سامانه‌هایی برای شفاف‌سازی و نظارت بر ساختار و روند بودجه‌ریزی و نیز نحوه هزینه‌کرد درآمدهای دولت در بخش‌های مختلف، یکی از الزامات کاهش فساد در بخش بزرگی از اقتصاد ایران است.

باید توجه داشت که اشراف حاکمیت بر جریانات اقتصادی، نه تنها موجب افزایش درآمد دولت می‌گردد، بلکه به دلیل نیاز دولت به تداوم این درآمدها، موجبات مبارزه دولت با انواع فساد و رانت را نیز فراهم می‌آورد؛ زیرا از طریق افزایش امنیت کسب‌وکار و تشویق مردم به امر تولید است که جریان درآمد پایدار برای دولت (ناشی از مالیات بخش خصوصی) می‌تواند تضمین شود. یعنی مقوله شفافیت اقتصادی، یک بازی برد-برد برای هر دو بخش دولتی و خصوصی است.

ازسوی دیگر، عدم شفافیت اطلاعات اقتصادی در یک کشور، می‌تواند منجر به بروز دور باطلی شود که به زیان دولت و ملت است. یعنی به دلیل عدم اشراف حاکمیت بر فعالیت‌های اقتصادی جامعه، درآمدهای پایدار برای مدیریت صحیح بخش عمومی وجود ندارد. به دلیل ناکارآمدی مدیریت بخش عمومی، محیط کسب‌وکار مساعد نبوده و بخش‌های غیرمولد و غیرشفاف از رونق بیشتری برخوردار می‌شوند و دور باطل و معیوبی شکل می‌گیرد. در این دور باطل، هم حوزه تولید، به دلیل بی‌توجهی و توان دولت در مبارزه با فساد و رانت بخش غیرمولد، روز به روز ضعیف‌تر می‌شوند و هم درآمدهای مالیاتی دولت، به دلیل ناتوانایی در شناسایی و رهگیری فعالیت‌های سوداگری و نیز به علت کم شدن تعداد و حجم فعالیت‌های مولد، روز به روز کمتر می‌شوند.

با توسعه شفافیت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، به مرور کسب‌وکارهای جدیدی نیز حول موضوعات مرتبط با شفافیت، که از آن میتوان با تعبیر «بازار شفافیت» نام برد، شکل می‌گیرد. این کسب‌وکارها به واسطه ارائه خدمات ارزان‌تر و سریع‌تر، موجبات عمومیت یافتن شفافیت اطلاعات در بین مردم را به دنبال داشته و از طریق محول شدن انجام این امور به بخش خصوصی، موجب می‌شود تا دولت از کسوت یک ارائه دهنده خدمت (و پیکان نارضایتیهای احتمالی) خارج و به یک ناظر بر فرآیند بازار (حامی و مدافع مردم) بدل شود.

علاوه بر موارد فوق باید توجه داشت که فقدان اطلاعات کافی، صحیح و بهنگام، دولت کنونی و دولت‌های گذشته را با مشکلاتی همچون افزایش قیمت تمام‌شده در نظام توزیع و تولید، انحراف تسهیلات از تولید، اقتصاد غیررسمی، قاچاق و احتکار، نیاز به دخالت مستقیم در تنظیم بازار کالاهای اساسی مصرفی و واسطه‌های، نگرانی از ذخایر کالاهای استراتژیک و انحراف پرداخت یارانه به بنگاه‌های تولیدی و خدماتی مواجه نموده است. مستندسازی و شفاف‌سازی اطلاعات اقتصادی، بخش قابل توجهی از این نواقص را می‌تواند مرتفع کند.

۴. پیشگیری و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع

تعارض منافع «عبارت است از موقعیتی که منافع شخصی مشمولان این قانون با انجام بیطرفانه و بدون تبعیض وظایف حرفه‌ای و اختیارات قانونی آن‌ها دچار تعارض شود».

می‌توان تعارض منافع را با ذکر مثالی بیشتر توضیح داد. فرض کنید یک نفر مدیر یک سازمان دولتی است که بایستی درباره یک حوزه اقتصادی تصمیم‌گیری نماید. حال همان مدیر، در همان حوزه اقتصادی نیز صاحب سرمایه بوده یا عضو یک هیئت مدیره است. طبیعی است که این مدیر در صورت هرگونه تصمیم‌گیری ممکن است بر منافع اقتصادی خود نیز اثرگذار باشد. بدین ترتیب نمی‌توان انتظار داشت که چنین مدیری، تصمیمی درست و صادقانه بگیرد و منافع اقتصادی خود را فراموش نماید.

از همین رو است که در بسیاری از کشورهای جهان، قوانین محکمی برای مدیریت تضاد منافع وضع شده است. بطور مثال فرد به محض انتصاب به یک مقام، موظف است از تمامی مشاغل دولتی یا خصوصی دیگر که دارای منافعی در همان حوزه است، استعفاء دهد.

توجه به این موضوع در حوزه اقتصاد، اهمیتی انکارنشدنی و بیش از حوزه‌های دیگر دارد. چرا که بسیاری از مشکلات اقتصادی در کشور از تعارض منافع آغاز می‌شود و اصولاً عوارض حاصل از تعارض منافع اجازه نمی‌دهد اصلاحات اقتصادی تحقق پیدا کند و لذا تا به‌طور جدی مدیریت نشود، انتظار تغییر از اقتصاد امری محال است. برای توضیح بیشتر بزرگی و عمق این مسئله باید گفت که در نظام اقتصادی کشور نهادهای بسیاری در تعاملند و در این مسیر روابط گره‌خورده‌ای را رقم زده‌اند. امروزه وزرا و معاونان و مدیران کلی بسیاری وجود دارند که مشغول سهامداری و مدیریت شرکت‌های خصوصی هستند، آن هم در عرصه‌هایی که از تصمیمات نهاد تحت مدیریتشان متاثر می‌شود. وقتی چنین امری غیرقانونی نباشد، تعارض منافع ایجاد می‌شود و بستر مستعد فساد خواهد بود.

این تعارض می‌تواند شخص محور باشد یا به عبارتی موقعیتی را شامل شود که در آن شخصیت‌های حقیقی درگیر تعارض منافع می‌شوند. مانند امضاهای طلایی، ارتباطات سهامداری یا مالکیت شرکت‌های مرتبط با تصمیم‌گیری، اشتغال همزمان افراد، ارتباطات خویشاوندی، ارتباطات پسا‌شغلی و مساله درب چرخان (رفت و آمد مدیران در میان بخش خصوصی و دولتی) و انگیزه‌های سیاسی.

رای رقابت‌پذیر کردن اقتصاد، قوانین بازی در بازار باید برای همه یکسان باشد و زمانی که تضاد منافع گسترش می‌یابد، قوانین بازی به هم می‌خورد و اقتصاد ضعیف می‌شود. بنابراین توجه به این موضوع به‌عنوان یکی از راهکارهای جهش تولید و تحقق اصلاحات اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد.

۴- ایفای نقش اتاق بازرگانی در تحقق جهش تولید

۱- ایجاد الگوی شفافیت و مبارزه با فساد؛ شروع از خود

تحقق شفافیت به‌عنوان یک راهکار کلیدی و اساسی در شیوه حکمرانی کشور بیش از تقنین و پشتیبانی نظام هنجاری به عزم و اراده مسئولین و راهبران نهادهای مختلف کشور بستگی دارد. به‌طوری که اطلاق موجود در نظام حقوقی کشور و پراکندگی و ابهامات موجود در استثنائات وارد بر شفافیت موجب شده تا دست نهادهای حاکمیتی در تحقق الگوی شفافیت باز باشد. بنابراین منوط و محدود کردن تحقق شفافیت و مقابله با فساد از طریق آن به قانون‌گذاری یا فرایندهای پیچیده اداری امری اشتباه و باطل است. بنابراین اگر نهادهای الگوی شفافیت را پذیرفته و آن را برای ارتقا حکمرانی کشور ضروری می‌دانند

پندارد، می‌تواند از خود شروع کند و در بسیاری از موارد اقدامات جدی را طراحی و برنامه‌ریزی نماید. در همین راستا پیشنهاد می‌شود اتاق بازرگانی در سطوح مختلف به‌عنوان طلایه دار بخش خصوصی کشور با شروع الگوی شفافیت از خود، مسیر ارتقاء و اصلاح حکمرانی در کشور را به صورت عملیاتی آغاز نموده و به‌عنوان الگویی برای بخش‌های دولتی معرفی شود.

به‌بیان دیگر این اتفاق در اتاق بازرگانی می‌تواند با طراحی موارد مختلفی از جمله شفافیت مشروح مذاکرات جلسات، انتشار اسناد و داده‌های اقتصادی در اختیار، طراحی استاندارد داده باز، ایجاد بستر گزارشگری تحلف، شفافیت بودجه و هزینه‌ها، شفافیت فردی مسئولین اتاق و... آغاز شود.

۲- تقویت اعضا و ایجاد بسترهای حمایتی مشخص

یکی از حوزه‌های مأموریتی اتاق بازرگانی به‌عنوان نماینده بخش خصوصی کشور، تقویت اعضا و ایجاد بسترهای حمایتی مشخص است. امری که در شرایط کنونی و با توجه به شعار سال یعنی جهش تولید باید بیش از پیش موردتوجه مسئولین و بدنه اصلی اتاق قرار گیرد. این راهکار می‌تواند در بستر اقدامات مختلفی مورد پیگیری قرار گیرد. یکی از این اقدامات ایجاد انسجام در بدنه بخش خصوصی و سیاست‌گذاری در این حوزه است. به نحوی که بدنه بخش خصوصی کشور در یک حرکت هماهنگ به سمت جهش تولید حرکت نماید. علاوه بر این مشاوره فنی، حمایت‌های تخصصی و راهنمایی و راهبری واحدهای نوپا و جوان می‌تواند از راهکارهای مورد نیاز در زمینه جهش تولید باشد. چرا که این واحدها همواره به‌عنوان یکی از حلقه‌های اصلی رونق و جهش تولید شناخته میشوند. علاوه بر این سوق دادن و تمهید بستری برای حضور واحدهای اقتصادی در بورس و فراورس می‌تواند ظرفیتی در راستای شفافیت و ارتقاء کارآمدی آن‌ها و درنهایت ارتقاء اقتصاد کشور باشد.

همچنین در شرایطی که بخش خصوصی قسمت زیادی از فشارهای اقتصادی حاصل از تحریم و وضعیت بد اقتصادی را به دوش می‌کشد، به‌طور جد نیازمند حمایت‌های قضائی و پشتیبانی تخصصی است. به‌طور مثال حمایت از واحدهای اقتصادی از حیث حقوق مالکیت از مواردی است که در بیانات رهبر انقلاب نیز به‌عنوان راهکارهای تحقق جهش تولید موردتوجه و تأکید قرار گرفته است.

۳- استفاده از ظرفیت‌های اثرگذاری در حاکمیت

تحقق الگوی گسترش حضور و نقش‌آفرینی در تصمیم‌گیری‌های قوا و تسریع در ایجاد اجماع در حوزه‌های اقتصادی از مأموریت‌های محوری اتاق بازرگانی محسوب می‌شود. مأموریتی که در راستای آن اتاق بازرگانی به‌عنوان بازوی مشورتی حاکمیت شناخته شده و به همین سبب ظرفیت‌های مناسبی برای اثرگذاری در نهادهای تصمیم‌گیر کشور در اختیار گرفته است. بنابراین مطلوب آن است که اتاق بازرگانی این ظرفیت‌ها و فرصت‌های اثرگذاری را بیش از پیش موردتوجه قرار داده و با برنامه‌ای قبلی و منسجم از آن بهره‌برد. اتفاقی که می‌تواند علاوه بر کمک جدی به حاکمیت در تحقق شعار سال، بستری برای مطالبه حقوق مشروع و حمایت از بخش خصوصی باشد.

علاوه بر این اتاق بازرگانی با توجه به اقتدارات و امکاناتی که در اختیار دارد، می‌تواند خود را به‌عنوان نهاد نظارت اقتصادی و اجتماعی با نگاه توسعه متوازن مطرح نماید. همچنین با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های اقتصادی کلان، به واحدهای اقتصادی کوچک و بزرگ در تصمیم‌گیری و اتخاذ استراتژی‌های متناسب کمک نماید.

۴- ایجاد بسترهای مطالبه‌گری و آگاهی عمومی

یکی دیگر از مأموریت‌های اتاق بازرگانی مطالبه حقوق مشروع بخش خصوصی معرفی شده است. در همین رایتا پیشنهاد می‌شود اتاق بازرگانی به‌عنوان پارلمان بخش خصوصی اولاً واحدهای اقتصادی و ذاعضا را با حقوق مشروعه خود در حوزه اقتصادی که بخش اعظم آن تکالیف اقتصادی دستگاه‌های ارجایی محسوب می‌شود، آشنا نماید و در وهله بعدی بستری را برای مطالبه عمومی آن‌ها فراهم نماید.

جمع‌بندی

تحقق جهش تولید به‌عنوان شعار محوری سال و هدفگذاری سالانه نظام جمهوری اسلامی ایران، در پی نامگذاری اقتصادی سالهای اخیر نیازمند تمهیدات جدی و طراحی راهکارهای اثرگذاری است که غفلت از هر کدام از آن‌ها می‌تواند حرکت چرخ‌دنده‌های اقتصادی کشور را کند نماید و از ایصال به مطلوب جلوگیری کند. بنابراین شناسایی دقیق و درست راهکارهای مطلوب در تحقق جهش تولید از اهمیتی بالایی برخوردار است.

در همین راستا کمیسیون حمایت قضائی و مبارزه با فساد اتاق بازرگانی تلاش کرده تا با جلب نظرات متخصصین حوزه اقتصاد و حکمرانی، راهکارهای مطلوب در تحقق جهش تولید را با توجه به حوزه مأموریتی خود تبیین و معرفی نماید. بدیهی است که تحقق جهش تولید نیازمند طراحی راهکارهای تخصصی اقتصادی می‌باشد، اما در این نوشتار تلاش شده تا به‌طور مشخص راهکارهای مرتبط با مبارزه با فساد و حمایت از بخش خصوصی که موضوع اصلی کمیسیون می‌باشد، مورد بحث قرار گیرد.

بنابراین محورهای مطروحه در دو بخش راهکارهای بنیادین و راهکارهای تخصصی مبارزه با فساد به‌عنوان انتظارات بخش خصوصی از دولت و راهکارهای پیشنهادی جهش تولید تبیین شد. همچنین کمیسیون تلاش کرده تا با نگاهی به درون، وظایف و ظرفیت‌های اتاق بازرگانی برای ایفای نقش مستقل و مستقیم در راستای جهش تولید را بررسی و تبیین نماید.

در پایان یک پیشنهاد ویژه نیز از سوی کمیسیون حمایت قضائی و مبارزه با فساد اتاق بازرگانی تهران مطرح و ارائه می‌شود که هدف آن تمهید موقعیتی جدی‌تر و واقعی‌تر برای تحقق شعار سال است. این پیشنهاد عبارت است از تلاش برای جاری شدن شعار سال به‌عنوان سیاست بالادستی قوانین، مقررات و برنامه‌های حاکمیت، که ازجمله آثار جدی آن، جلوه‌گری شعار سال در تدوین بودجه و برنامه سال آتی می‌باشد. به عبارت دیگر شعار سال باید پیش از آغاز سال بعد به مجلس و نهادهای تصمیم‌گیر اعلام گردد تا در برنامه‌ریزی‌های کلان ازجمله تدوین لایحه بودجه و... مورد توجه و اتباع قرار گیرد.